



## از دست رفتن شانس افزایش سهمیه ایران با شکست تراکتور



شکست تیم فوتبال تراکتور مقابل التعاون عربستان، ضربه سنگینی به امیدهای ایران برای افزایش سهمیه در رقابت‌های باشگاهی آسیا وارد کرد.

تیم فوتبال تراکتور در دیدار برگشت مرحله یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا (سطح ۲)، در زمین التعاون عربستان به میدان رفت. این دیدار که از ساعت ۲۳:۳۰ به‌شبه‌شروع آغاز شد و تا ساعت ۲:۳۰ بامداد دیروز - چهارشنبه - ادامه داشت، پس از تساوی ۲-۲ در ۱۲۰ دقیقه، در ضربات پنالتی با نتیجه ۴ بر ۲ به سود التعاون پایان یافت و نماینده ایران از صعود به مرحله نیمه‌نهایی بازماند.

این نتیجه در حالی رقم خورد که تراکتور، صدرنشین فعلی لیگ برتر ایران، برابر تیمی که در جایگاه هشتم لیگ عربستان قرار دارد و از ستاره‌های چندان‌ی هم بهره نمی‌برد، متحمل شکست شد. با این اتفاق، فوتبال ایران در نخستین دوره برگزاری لیگ نخیکنان و لیگ قهرمانان سطح ۲، سالی دشوار را تجربه کرد.

علاوه بر حذف تراکتور، این نتیجه امیدهای ایران برای افزایش سهمیه در فصل ۲۷-۲۰۲۶ باشگاهی آسیا را نیز از بین برد. پیش از این، سهمیه ایران برای فصل ۲۵-۲۰۲۴ در لیگ نخیکنان ۱+۱ (یک سهمیه مستقیم و یک سهمیه پلی‌آف) و یک سهمیه مستقیم در لیگ قهرمانان سطح ۲ مشخص شده بود. امید می‌رفت تراکتور با صعود به نیمه‌نهایی، امتیازات ایران را افزایش داده و امکان صعود کشورمان به رتبه پنجم جدول رده‌بندی کشورهای آسیایی فراهم شود، جایگاهی که در حال حاضر قطر با ۶۹۰۷۶ امتیاز در اختیار دارد. با این حال، شکست تراکتور باعث شد سهمیه ایران در فصل ۲۷-۲۰۲۶ نیز تغییری نکند و همچنان در لیگ نخیکنان ۱+۱ و در لیگ قهرمانان سطح ۲، یک سهمیه مستقیم داشته باشد.

### یادداشت

## استقلال مقابل النصر پایین‌تر از لیگ برتر!

حقیقتش را بخواهید، هنوز هم در شوک بازی استقلال - النصر هستم! اصلاً فکرم را نمی‌کردم استقلال اینقدر پایین‌تر از حد انتظار ظاهر شود.



فرشاد فلاح‌زاده

از همان دقیقه ۹، وقتی حسینی آن اشتباه فاجعه‌بار را انجام داد و گل اول را تقدیم النصر کرد، انگار ورق برگشت. تیم از همان اول از هم پاشید، انگار نمی‌دانستند کجا ایستاده‌اند. بقیه بازیکنان هم در حد و اندازه خودشان نبودند، نه از آن تیم جنگنده دیدار رفت خیر بود و نه از آن انگیزه‌های که باید در این سطح ببینیم.

استقلال فیلاً هم مقابل کریستیانو رونالدو بازی کرده بود اما این بار شرایط فرق داشت. به نظر می‌رسید همه فقط به این فکر می‌کردند چطور این ستاره را مهار کنند اما در عمل، نه توانستند او را مهار کنند و نه بازی خودشان را انجام دادند. جو ورزشگاه، بنرهای بازی از بازی، فشار روانی سنگین... همه اینها کار را برای استقلال سخت‌تر کرد. انگار اصلاً آماده این بازی نبودند.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات این تیم همین است؛ هر کس توپ را می‌گیرد، فکر می‌کند باید یک‌تانه کار را تمام کند! رامین رضاییان، صالح حمدانی و سیدابوالفضل جلالی هر کدام می‌خواستند به تنهایی دیوار دفاعی النصر را بشکنند. اما آن طرف، النصر چه می‌کرد؟ یک تیم واقعی بود! با هم دفاع می‌کردند، با هم حمله می‌کردند. فرق ۲ تیم هم همین بود! کاپیتان تیم در چنین مسابقه‌ای حق ندارد چنین اشتباهی کند. بعد از آن اشتباه مگربار، چند توپ را گرفت اما دیگر فایده‌ای نداشت، نوش دارو بعد از مرگ سهراب! تعویض‌ها هم هیچ طرح و برنامه‌ای نداشتند، هافبک جای هافبک، مدافع جای مدافع... انگار اصلاً نمی‌دانستند چطور باید بازی را برگردانند. این یکی از ضعیف‌ترین نمایش‌های استقلال در ماه‌های اخیر بود، حتی پایین‌تر از سطح لیگ برتر خودمان.

مهران احمدی چطور فکر می‌کرد می‌تواند با آرنج زدن از چشم داور فرار کند؟ دیگر آن زمان گذشته که داور صحنه‌ها را ببیند، با VAR، هر حرکت مشکوکی زیر ذره‌بین است. این اخراج، یک امتیاز منفی دیگر بود که باعث شد استقلال عملاً دست‌هایش را بالا ببرد. از طرفی، مدافعان هم خیلی کند بودند. شومی و سیلوا اصلاً هماهنگ نبودند. چندی بهتر است در خط هافبک بازی کند، یک خط جلوتر، مفیدتر خواهد بود.

این‌ها فقط موجب حذف استقلال نشد، بلکه به همه رقبای نشان داد چطور می‌شود این تیم را شکست داد. دیگر نه در جام حذفی، نه در جام حذفی، هیچ تیمی از استقلال نمی‌ترسد. اگر تغییری در سبک بازی ایجاد نشود، استقلال به مشکل بزرگی برمی‌خورد. با این روند، بازی‌های داخلی هم برای تیم سخت‌تر خواهد شد.

باید قبول کرد استقلال در این بازی، نه یک تیم آسیایی، بلکه تیمی پایین‌تر از سطح لیگ برتر بود!

## فصل هنوز برای استقلال تمام نشده و آنها باید در جام حذفی و گرفتن سهمیه تلاش کنند

# برخاستن برای هوادار



استقلال دیگر در لیگ برتر شانس و رمقی برای عنوان قهرمانی ندارد. قهرمانی را نه به‌خاطر قدرت رقیب، بلکه به‌خاطر لغزش‌های خودش از دست داده است. حالا دیگر برای استقلال، فقط ایستادن در یک جایگاه محترمانه باقی مانده؛ جایی نه خیلی بالا و نه خیلی پایین، جایی در میانه که حداقل حیثیت نام بزرگ استقلال حفظ شود. خطر اما از پایین جدول کمین کرده و فاصله ۷ امتیازی با سقوط، استقلال را نگران کرده. هواداران این تیم که با روزهای شیرین و تلخ زیادی زندگی کرده‌اند، طاقت ندارند روزهایی را ببینند که تیم‌شان تا این اندازه به سقوط نزدیک شود. شوخی‌اش هم زنده است.

حالا استقلال نیاز به یک انقلاب دارد؛ نه یک جبهه‌جایی ساده بازیکنان، بلکه یک پوست‌اندازی بزرگ و عمیق. استقلالی که همیشه ستاره‌ها را به دامن کشیده، اکنون درگیر بازیکنانی شده که شاید بار سنگین این پیراهن را تاب نمی‌آورند. بازیکنانی که در استقلال بودن را هنوز خوب یاد نگرفته‌اند. بازیکنانی این چند هفته فرصت دارند بار دیگر خودشان را به تاریخ این باشگاه بزرگ تحمیل کنند و بگویند برای پوشیدن این پیراهن شایستگی دارند.

اما در این میان، سرمربی استقلال هم زیر بار سنگینی از تردیدها قرار دارد؛ مرد موندگرویی که روزی فکر می‌کرد به شهر خوشبختی وارد شده حالا در برهوت بالکنگینی قدم می‌زند. میودراک بوژوویچ در آغاز راه چشمانش را به افق دوشاخ بود و رویاهایی شیرین داشت اما اکنون رویایی جز فرار از این کابوس ندارد. استقلال برای یک فرصت

### پایان لیگ نخیکنان برای فوتبال ایران

## امان از اشتباهات فردی



و خط دفاعی استقلال اشاره کرد که باز هم منجر به پاسکاری‌های تضرع و فرصت‌سازی حریف از همان نقطه می‌شد و هیچ تدبیری هم در قبال اشتباهی نشده بود!

استقلال در این دیدار برخلاف بازی رفت، نتوانست خطر اساسی و موقعیت گل چشمگیری خلق کند. امید گل این تیم در این بازی بسیار پایین بود که شاید از دلایل عمده‌اش، کم‌تعداد بودن در جلوی زمین بود. باید اشاره کرد در ابتدای بازی ۲ حرکت خوب از جناح راست استقلال شکل گرفت که در اولی به علت کم‌تعداد بودن، رضاییان نتوانست در محاصره مدافعان حریف کاری از پیش ببرد و در دومین نفوذ از این جناح و در حالی که می‌توانست به فرصت خوبی ختم شود، رضاییان ارسال پاس برای مهران احمدی که در موقعیتی بهتر بود! رفتاری تکراری خود کرد تا این نفوذ خوب ره به جایی نبرد. چه بسا قدر دانستن همین تک فرصت‌ها در بازی‌ای که نمی‌توان امید به فرصت‌های متعدد داشت روند بازی را عوض می‌کرد و مانع گل اول حریف در دقیقه ۹ و بدان شکل هم می‌شد.

در هر ۳ گل حریف، توپ لو دادن‌های خود بازیکنان استقلال مسبب اصلی بود، در ۲ گل اول که توپ را در یک سوم دفاعی خویش لو دادند و روی گل سوم هم در میانه زمین که منجر

یک پرسش مهم از مدیریت استقلال  
درباره عدم انتخاب ژوزه مورایس

## بدسلیقگی تاکجا؟

۱- در هیاهوی تهران، در میان چشم‌های نگران آبی‌ها، حالا مردی نشست است که اسمش برای تلفظ دشوار است و کارنامه‌اش برای تحلیل دشوارتر؛ «میودراک بوژوویچ». در این روزهای کدر و سرد که باد مخالف از هر سوی زمین و زمان می‌وزد، او آمده است تا شاید درمانی برای زخم استقلال باشد؛ زخمی عمیق که چند صباحی است هر چه به آن مرهم می‌زنند خوب نمی‌شود که نمی‌شود. اما سؤال اصلی همچنان روی سینه‌ها سنگینی می‌کند: چرا بوژوویچ آری، ژوزه مورایس نه؟

۲- استقلال در شب تلخی از تاریخ، با شکست سنگین و تلخ‌تر مقابل النصر، با لیگ نخیکنان آسیا وداع کرد. اما تلخ‌تر از وداع برای استقلال، بی‌برنامگی‌ها و تصمیم‌های عجیب مدیریتی است که از ابتدای فصل تا اینجا، ۵ بار مرد اول نیمکت را عوض کرده‌اند. استقلال را سرگردان رها کردند در کوچه‌های سردگمی و سر آخر به دامانی چنگ زدند که معلوم نیست گرمی را داشته باشد یا نه.

۳- بوژوویچ در همان لحظاتی که داشت برای خداحافظی از استقلال خوزستان راهی فرودگاه می‌شد، تلفنش زنگ خورد و مسیروش تغییر کرد. حالا به جای جنوب داغ، به تهران سرد رسید و بر نیمکت داغ استقلال نشست؛ نیمکتی که اخیراً بیشتر از روی خوش، روی عبوس نشان می‌دهد. ۳ بازی سخت و یک تساوی و ۲ شکست، کافی نیست برای قضاوت این مرد موندگرویی ولی کافی هست برای قضاوت آن مدیرانی که سرمست رؤیای والتر ماتزاری، چند هفته فرصت طلایی را به باد دادند و سر آخر دست‌شان خالی‌تر از همیشه ماند.

۴- در همان روزهایی که استقلال سسر به بیابان ماتزاری گذاشته بود، مردی دیگر گوشه‌ای از جهان فوتبال آزادانه نفس می‌کشید؛ ژوزه مورایس پرتغالی. مردی با پیشینه‌ای روشن، آشنایی عمیق با فوتبال ایران و آسیا و ذهنی که مثل دفتر مشق، پر بود از آنالیز بازیکنان و تیم‌های لیگ. مردی که سپاهان را تا استانه قهرمانی لیگ برد و جام حذفی را هم به اصفهان آورد. مردی که در تلاطم‌های عجیب سسکوها، کوله‌بارش را بست و رفت تا در بودروم، تیمی که کمتر کسی حتی اسمش را شنیده، معجزه خلق کند.

۵- حالا چند هفته گذشته و بودروم زیر دست ژوزه، شبیه ققنوس است که از خاکستر برخاسته؛ ۴ برد و ۲ تساوی بدون حتی یک گل خورد. آن سو استقلال اما هنوز به دنبال پاسخ است؛ بوژوویچ چه دارد که مورایس نداشت؟ چه شد که مدیران، ژوزه را ندیدند و بوژو را پسندیدند؟ پاسخ هر چه باشد، این روزها فقط یک چیز روشن است؛ استقلال به انتخاب‌های عجیبی که می‌کند، عادت کرده و شاید این تلخ‌ترین بخش داستان باشد.



## عقلانیت انقلابی؛ از ابتدال مصرفی تا پیشران تحول

این نوع نقد - که درون‌گفتمانی نامیده می‌شود - مانع آن می‌شود که انتقادهای مشروع و ضروری، بستری برای ورود گفتمان‌های بیگانه و مغایر انقلاب اسلامی شود. افروز بر این باور است نقد درون‌گفتمانی تنها یک امر ضروری، بلکه یک راهبرد بقا برای انقلاب اسلامی است. چرا که بدون این نقد، انقلاب در خطر ایستایی قرار می‌گیرد و راه را برای رقیبان گفتمانی خود، اعم از لیبرالیسم، پراگماتیسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم که امتحان پس داده‌اند، باز می‌کند.

بازسازی و عمومی‌سازی عقلانیت انقلابی، نیازمند ایجاد یک نهاد نقد درون‌گفتمانی است که به شکلی نظام‌مند، ظرفیت‌های تحول و اصلاح را در ساختارهای اجرایی و فکری جمهوری اسلامی احیا کند. این نهاد می‌تواند شامل حلقه‌های فکری، رسانه‌های مستقل انقلابی، روشنفکران متعهد و گروه‌های اجتماعی باشد که با رجوع به اصول

بنیادین انقلاب، روندهای جاری را مورد بازبینی و تحلیل قرار دهند. عقلانیت انقلابی نباید صرفاً یک گفتمان نخیکنانی بماند، بلکه باید بتواند در عرصه‌های «روزمره، اجتماعی و سیاسی» بازمانی شود. برای این کار، باید یک گفت‌وگوی انتقادی در جامعه شکل بگیرد که به مردم اجازه دهد بدون هراس از برچسب‌زنی، در مسیر احیای اصول انقلاب اسلامی مشارکت کنند.

در نهایت، اگر انقلاب اسلامی بخواهد مسیر آینده خود را مشخص کند، باید عقلانیت انقلابی را از سطح شعاری و رسانه‌ای به سطح فلسفی، نهادی و اجتماعی ارتقا دهد. عقلانیت انقلابی، اگر به‌درستی در بستر نقد درون‌گفتمانی نهادینه نشود، یا به ورطه تجسر و محافظه‌کاری خواهد افتاد یا در مقابل هجمه‌های گفتمان‌های بیگانه به حاشیه رانده خواهد شد.